

فصلنامه تاریخ اسلام

سال یازدهم، شماره سوم و چهارم،

پاییز و زمستان 1389، شماره مسلسل 44-43

بررسی و نقد گزارش‌های تاریخ شهادت

امام حسن مجتبی‌ع

تاریخ دریافت: 89/3/11 تاریخ تأیید: 89/4/28

یدالله مقدسی*

گزارش‌های متفاوتی درباره تاریخ شهادت امام حسن مجتبی‌ع ارائه شده است که تاریخ‌های هفتم و بیست و هشتم صفر در میان شیعیان مشهورتر از سایر گزارش‌ها هستند. این پژوهش برای پی بردن به زمان دقیق شهادت امام حسن مجتبی‌ع، ابتدا گزارش‌های منابع شیعه و اهل سنت را درباره تاریخ شهادت آن حضرت بررسی می‌کند. سپس به نقد ابعاد مختلف گزارش هفتم صفر، مانند شخصیت راوی، صحت انتساب گزارش به وی، فاصله زمانی میان وقوع رخداد و راوی و اشتباه در نسخه برداری می‌پردازد. و پس از بررسی گزارش بیست و هشتم صفر به روشی مشابه آن را برگزارش هفتم صفر ترجیح می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: امام مجتبی‌ع، هفتم صفر، بیست و هشتم صفر، تاریخ امامت،

امامت پژوهی.

* پژوهشگر پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم‌السلام دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مقدمه

گزارش‌های متفاوتی درباره تاریخ ولادت و شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام وجود دارد. آگاهی‌های مناسبی درباره ماه و روز ولادت آن حضرت موجود است، ولی درباره تاریخ شهادت، گزارش‌های بسیار پراکنده و متفاوتی نقل می‌شود که در تعیین روز شهادت دارای اختلاف بیشتری هستند و تفاوت آرا درباره شهادت امام حسن علیه السلام سبب پراکندگی شیعیان در گرامی داشت این روز شده است.

برخی از نویسندگان پیشین درباره تاریخ شهادت امام مجتبی علیه السلام مطالبی نوشته‌اند، ولی پژوهش‌های کاملی که گزارش‌های پراکنده را درباره این موضوع ارزیابی کند، انجام نشده است. به همین سبب انجام تحقیقی کامل و منسجم برای تعیین زمان شهادت امام حسن علیه السلام ضروری است.

در این پژوهش با بررسی منابع کهن شیعه و سنی به بازخوانی گزارش‌های گوناگون درباره شهادت آن حضرت علیه السلام می‌پردازیم و با فرضیه «امام حسن مجتبی علیه السلام در بیست و هشتم صفر سال پنجاه هجری به شهادت رسید»، عوامل اختلاف گزارش و زمان وقوع آن را بررسی می‌کنیم.

ماه شهادت

منابع کهن شیعه و سنی درباره ماه شهادت امام حسن علیه السلام نظر یکسانی ندارند؛ دسته‌ای از این منابع اشاره‌ای به ماه شهادت آن حضرت علیه السلام ندارند و دسته‌ای دیگر که از این زمان یاد کرده‌اند بر دو ماه صفر و ربیع الاول تأکید می‌کنند.

منابع شیعه ماه صفر را ماه شهادت آن حضرت علیه السلام می‌دانند و بسیاری از عالمان شیعه در آثارشان به این موضوع اشاره می‌کنند. برخی از عالمان بزرگ شیعه که در آثارشان، ماه صفر را زمان شهادت امام حسن علیه السلام می‌دانند، عبارتند از:

سعد بن عبدالله اشعری (حدود 300 ق) در *المقالات و الفرق*¹، نوبختی (حدود 320 ق) در *فرق الشیعه*²، کلینی (م 329 ق) در *الکافی*³، ابن خزاز (نیمه قرن چهارم ق) در

کفایة الأثر،⁴ حسن بن محمد قمی (م 378 ق) در تاریخ قم،⁵ شیخ مفید (336 - 413 ق) در الأرشاد⁶ و مسار الشیعة،⁷ شیخ طوسی (م 460 ق) در مصباح المتعجد،⁸ طبری امامی (قرن پنجم قمری) در دلائل الإمامة،⁹ طبرسی (م 548 ق) در إعلام الوری¹⁰ و تاج الموالید،¹¹ فتال نیشابوری (م 507 ق) در روضة الواعظین،¹² شعیری (زنده در قرن ششم) در جامع الأخبار،¹³ ابن شهر آشوب (م 588 ق) در مناقب آل أبی طالب،¹⁴ اربلی (693 ق) در كشف الغمة،¹⁵ ابن طقطقی (709 ق) در الأصبلی،¹⁶ شیعی سبزواری (زنده در 757) در راحة الأرواح،¹⁷ شهید اول (م 786 ق) در الدروس،¹⁸ رضی الدین علی حلّی (635 - 703 ق) در العدد القویة،¹⁹ کفعمی (حدود 900 ق) در بلد الامین²⁰ و المصباح،²¹ عاملی (918 - 984 ق) در وصول الأخبار إلى أصول الأخبار،²² شیخ بهایی (م 1030 ق) در توضیح المقاصد²³ و جامع عباسی.²⁴

بیشتر منابع اهل سنت، ماه ربیع الاول را زمان شهادت امام حسن (ع) اعلام می‌کنند و برخی از عالمان بزرگ ایشان که در آثارشان به این موضوع اشاره کرده‌اند، عبارتند از: محمد بن سعد (م 230 ق) در ترجمه الأمام الحسن من کتاب الطبقات الکبری،²⁵ زبیری (م 236 ق) در کتاب نسب قریش،²⁶ ابن قتیبه (م 276 ق) در المعارف،²⁷ بلاذری (م 279 ق) در انساب الأشراف،²⁸ ابن أبی الدنيا (208 - 218 ق) در مقتل أمیر المؤمنین،²⁹ دولابی (م 310 ق) در الذریة الطاهرة،³⁰ طبرانی (م 360 ق) در المعجم الکبیر،³¹ خطیب بغدادی (م 463 ق) در تاریخ بغداد،³² ابن عبدالبر (م 463 ق) در الأستیعاب،³³ حاکم نیشابوری (م 405 ق) در المستدرک علی الصحیحین،³⁴ ابن عساکر (م 517 ق) در تاریخ مدینة دمشق،³⁵ ابن جوزی (م 597 ق) در المنتظم،³⁶ سبط بن جوزی (م 654 ق) در تذکرة الخواص،³⁷ ابن أبی الحدید (م 656 ق) در شرح نهج البلاغه³⁸ (جلد 16).

گروهی نیز در میان عالمان شیعه و سنی با دیدگاه رایج مخالفت کردند و نظردیگری را ابراز داشتند. نویسندگان این دسته از آثار عبارتند از: گنجی شافعی (م 658 ق) که در *کفایة المطالب*³⁹ ماه صفر را زمان شهادت آن حضرت (ع) اعلام می‌کند. یعقوبی (م 292 ق) که تنها مورخ شیعه است که در تاریخش⁴⁰ این زمان را ماه ربیع الاول می‌داند. قاضی نعمان مغربی (363 ق) در *شرح الأخبار*⁴¹ میان ماه ربیع الاول و صفر تردید دارد. حاسب طبری (ربیع آخر سده پنجم) در *زیج مفرد*⁴² از ماه رجب، به عنوان ماه شهادت آن حضرت (ع) نام می‌برد.

بررسی اسناد اهل سنت درباره ماه شهادت

اسناد آن دسته از منابع اهل سنت که ربیع الاول را به عنوان ماه شهادت پذیرفته‌اند، پراکنده است. محمد بن سعد (230 یا 236 ق) این گزارش را به نقل از علی بن محمد مدائنی (228 ق) و مسلمة بن محارب بیان می‌کند.⁴³ زبیری (236 ق)⁴⁴ و ابن قتیبه (276 ق)⁴⁵ بدون سند این ماه را می‌پذیرند که به نظر می‌آید به جهت نزدیکی زمان این دو با محمد بن سعد، گزارش ایشان به سند محمد بن سعد می‌رسد. بلاذری (279 ق) با تعبیر و یقال⁴⁶ از آن نام می‌برد که این تعبیر، نشانه تردید او است. ابن ابی الدنيا (281 ق) به نقل از زبیر بن بکار (256 ق) آن را بیان می‌کند⁴⁷ که طریق او به خطیب بغدادی⁴⁸ و سند محمد بن سعد می‌رسد. دولابی (310 ق) این روایت را از طریق محمد بن ابراهیم بن هاشم از محمد بن عمره بیان می‌کند که نام محمد بن عمره در منابع رجالی مجهول است.⁴⁹ محمد بن حبان بُستی (345 ق) به نقل از ابوحاتم (275 یا 277 ق) آن را می‌آورد.⁵⁰ و ابوحاتم به سبب این که در ردیف راویان از محمد بن سعد جای دارد،⁵¹ می‌توان گفت که سندش همان سند محمد بن سعد است. طبرانی (360 ق)، آن را از محمد بن عبدالله بن نمیر (234 ق) نقل می‌کند⁵² که نقل او نیز به سند محمد بن سعد می‌رسد.⁵³ حاکم نیشابوری (405 ق) نیز سند این روایت را از محمد بن عمر

واقدی (207 ق) از مسلمة بن محارب می آورد⁵⁴ که این سند، همان سند محمد بن سعد است. پس از ایشان خطیب بغدادی (463 ق)، آن را از طریق ابن اَبی الدنيا از محمد بن سعد نقل می کند⁵⁵ و ابن عبدالبر (463 ق) از طریق شعبی با تردید و با تعبیر قیل، آن را ثبت می کند.⁵⁶

مورخان بعدی با نگاه به این پیشینه این تاریخ را می پذیرند که می توان از ابن عساکر (571 ق)⁵⁷ تلمسانی (قرن 7 ق)⁵⁸ و سبط بن جوزی (654 ق)،⁵⁹ در این ردیف نام برد.

با بررسی منابع یاد شده، مشخص می شود که گزارش شهادت امام مجتبی U در ربیع الأول، در منابع کهن اهل سنت به دو شکل بیان می شود.

1. این گزارش با تعبیر قیل و یقال بیان می شود، نویسندگان این دسته از منابع یا اسنادی در اختیار نداشتند و شنیده های خود را ثبت نمودند و یا به اسناد موجود اعتماد نداشتند و یا اسناد آنها به اسناد گروه دوم می رسد.

2. گروهی گزارش را با سند آن بیان می کنند و تمام گزارش ها در نهایت به سند محمد بن عمر واقدی و سند کاتب او محمد بن سعد می رسد؛ چرا که واقدی آن را از مسلمة بن محارب نقل می کند و محمد بن سعد هم از طریق مدائنی از مسلمة بن محارب بیان می کند. راوی مسلمة، حرب بن خالد نوه پسری یزید بن معاویه بن ابوسفیان است و نام حرب در منابع رجالی اهل سنت نیست و در منابع تراجم توثیق نمی شود.⁶⁰

لازم به ذکر است، نخستین ناقلان گزارش شهادت امام مجتبی U در ربیع الأول، مانند واقدی، مدائنی و ابن سعد اهل عراق بودند و در بصره، بغداد و مداین می زیستند. از سوی دیگر، خبر شهادت امام مجتبی U به گفته مدائنی،⁶¹ پس از دو روز در بصره منتشر شد. با در کنار هم قرار دادن این دو مطلب، می توان نتیجه گرفت که مقصود این گروه از مورخان، انتشار و رسیدن خبر در ربیع الاول به عراق است، چون ایشان روزهای نخست این ماه را به عنوان روز شهادت می پذیرند که این خبر در همان روزها در عراق منتشر شده بود.

بررسی اسناد شیعیان درباره ماه شهادت

برخی از محدثان و مورخان شیعه در منابع کهن، ماه صفر را بدون بیان سند، به عنوان ماه شهادت پذیرفته‌اند و برخی دیگر سند این مطلب را بیان کرده‌اند. افرادی؛ چون ابن خزاز روایت خویش را با سند بیان می‌کنند.⁶² ابن خزاز این روایت را صحیحۃ الأسانید می‌خواند.⁶³ و محدث قمی آن را معتبر می‌داند.⁶⁴

در میان محدثان و مورخان که این گزارش را بدون بیان سند آورده‌اند، نام کلینی، حسن بن محمد قمی، شیخ مفید، شیخ طوسی، طبری امامی، فتال نیشابوری، شیخ طبرسی، ابن شهر آشوب، اربلی دیده می‌شود. این گروه اسناد قابل اعتمادی داشتند که بعدها از بین می‌رود و آنان بر اساس آن اسناد، این تاریخ را پذیرفته بودند عبارت شیخ مفید در مقدمه مسار الشیعة، این مطلب را ثابت می‌کند. وی در این باره می‌نویسد:

همواره صالحان شیعه در دوره‌های تاریخ، با انگیزه تقرب الهی از طریق

انجام دادن هر عمل عبادی در زمان مربوط به خود و نیز به هدف اقامه دین با

رعایت زمان‌های حزن و سرور، این تاریخ‌ها را پاس می‌داشتند.⁶⁵

این عبارت نشان می‌دهد که ایشان به ثبت آثار، یاد، نام و زمان‌های منتسب به اهل بیت علیهم‌السلام اهتمام می‌ورزیدند و حدیث «اهل هر خانه نسبت به حوادث و امور مربوط به آن خانه داناتر از دیگرانند»⁶⁶ در این خصوص کاربرد دارد؛ چرا که شیعیان به سبب وابستگی فکری به اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همانند اهل خانه آنان به شمار می‌روند.

در میان نویسندگان شیعه، یعقوبی تنها کسی است که ماه ربیع‌الاول را به عنوان ماه شهادت می‌پذیرد. او در مقدمه کتابش تصریح می‌کند که یکی از اسنادش در این کتاب علی بن محمد مدائنی (135 - 228) است.⁶⁷ بنابراین می‌توان گفت که سند او در این نقل، مدائنی است؛ زیرا محمد بن سعد نیز این گزارش را از مدائنی نقل می‌کند.⁶⁸ بر این اساس این سخن یعقوبی در ردیف گزارش اهل سنت جای می‌گیرد؛ چون مدائنی از

راویان آنان به شمار می‌رود و سندش به روایت حرب بن خالد می‌رسد که پیش از این بررسی شد.

روز شهادت در میان شیعیان

گزارش‌هایی که تولد امام مجتبی‌U را در ماه صفر می‌دانند، درباره روز شهادت آن حضرت U دارای پراکندگی هستند؛ در گروه اول از این گزارش‌ها، تنها به ذکر ماه صفر، بدون نام بردن از روز آن بسنده می‌شود. که در این گروه می‌توان از دو کتاب *الأرشاد*⁶⁹ و *المقنعة*⁷⁰ اثر شیخ مفید و کتاب *تهذیب الأحکام*⁷¹ اثر شیخ طوسی نام برد. گروه دوم، از آخر ماه صفر نام می‌برند. گروه سوم، از دو شب باقی‌مانده از ماه صفر؛ یعنی بیست و هشتم صفر گزارش می‌دهند و گروه چهارم، از هفتم ماه صفر یاد می‌کنند.

نقد گزارش هفتم صفر

با بررسی آرای مختلف درباره روز شهادت امام حسن U درباره صفر، گزارش گروه نخست را می‌توان با هر سه گروه دیگر تطبیق داد، اما برای دستیابی به تاریخ دقیق شهادت آن حضرت U باید به بررسی منابع سایر گروه‌ها پردازیم و برای رسیدن به این امر ابتدا سند دیدگاه هفتم صفر را بررسی می‌کنیم.

دیدگاه شهید اول

شهید اول (786 ق)، گزارش‌گر شهادت امام مجتبی‌U در هفتم صفر است⁷² و هیچ یک از منابع پیش از او، این مطلب را ثبت نکرده‌اند. مامقانی (1351 ق) این تاریخ را به کتاب *الأرشاد* شیخ مفید نسبت می‌دهد،⁷³ اما در نسخه‌های مختلف کتاب *الأرشاد*، مانند نسخه‌هایی که نزد اربلی، مجلسی و بحرانی بود⁷⁴ و نیز در نسخه چاپ شده آن، نام و نشانی از این تاریخ نیست. در این نسخه‌ها، تنها به شهادت آن حضرت U در ماه صفر، بدون تعیین روز آن اشاره می‌شود، بنابراین سند شهید اول در این گزارش روشن نیست.

برخی احتمال می‌دهند که سخن شهید اول به گزارش قاسم بن ابراهیم رسی منسوب است. بنابراین، گزارش شهید اول را بر سایر گزارش‌ها ترجیح می‌دهند. برای روشن شدن این احتمال، گزارش منسوب به قاسم رسی را بررسی می‌کنیم.

گزارش منسوب به قاسم رسی

در سال‌های اخیر، کتابی با نام *تثبیت الأمامه*، تألیف قاسم بن ابراهیم رسی (169 - 246 ق) با تلاش و تحقیق صالح وردانی مصری از سوی مؤسسه الغدير بیروت در نود و شش صفحه، همراه با مقدمه تحقیق و فهرست منابع چاپ شده است که موضوع آن امامت و برتری امیرمؤمنان حضرت علی U بر دیگران است.

از این کتاب، سه نسخه خطی در کتابخانه‌های قاهره، برلین و دانشگاه صنعاء موجود است.⁷⁵ به گفته فؤاد سزگین «روی نسخه موجود در کتابخانه برلین، تاریخ 544 ق ثبت شده است⁷⁶ و این نشان دهنده تاریخ این نسخه است. نسخه دانشگاه صنعاء به کوشش صالح وردانی منتشر شده که حجم آن هشت ورق است.⁷⁷ به گفته وردانی:

این نسخه ضمیمه مجموعه رسائلی است که بر روی آن نام قاسم رسی نوشته شده است و هر یک، حجم کمی از مجموعه را تشکیل می‌دادند. بر این مجموعه رسائل، تاریخی ثبت نشده است تا مشخص شود که این نسخه متعلق به چه قرنی است.

هم چنین، وی می‌نویسد:

در حاشیه رساله تثبیت الأمامه ثبت شده است که مؤلف در این رساله به یاری مذهب زیدیه می‌پردازد. و با این رویکرد که امیرمؤمنان U بر خلفای سه گانه برتری دارد، مطالبش را می‌نویسد.⁷⁸

مؤلف در این کتاب با بهره‌گیری از قرآن و حدیث، متنی کوتاه و عالمانه تنظیم کرده که ابتدا بر لزوم اصل امامت استدلال می‌کند و سپس به امامت و برتری امیرمؤمنان حضرت علی U بر دیگران می‌پردازد. این متن که منسوب به قاسم بن ابراهیم رسی است،

در پاسخ پرسشی در موضوع امامت تنظیم شده و پس از تحقیق به حجم سی صفحه در آمده است.

در پی آن، متنی سه صفحه‌ای، با عنوان *موجز تواریخ الأئمة الاثنی عشر ضمیمه* رساله گردیده که در آن، شناسنامه امامان دوازده‌گانه با عنوان هادی «ابوه، امه، ولادته، القابه، وفاته (شهادته) ثبت شده است. در این متن درباره تاریخ شهادت امام مجتبی ع نوشته شده است:

*توفی فی السابع من شهر صفر سنه 50 ق.*⁷⁹

در این سه صفحه، تاریخ‌های مربوط به سه امام دیگر نیز ثبت گردیده است که نویسنده آن شهادت امام هادی ع را در سال 254 ق، تولد امام عصر ع را در سال 255 ق و شهادت امام عسکری ع را در سال 260 ق می‌داند.⁸⁰ این در حالی است که قاسم رسی که این متن سه صفحه‌ای را به او نسبت می‌دهند، در سال 246 ق در گذشت.⁸¹ در نسخه چاپی این دو متن، قلم متن سه صفحه‌ای با عنوان *موجز تواریخ الأئمة الاثنی عشر*، با قلم متن سی صفحه‌ای تفاوت دارد. گویا محقق، متن سه صفحه‌ای را به آخر کتاب می‌افزاید و یا در انتساب آن به قاسم رسی تردید دارد.

نقد گزارش منسوب به قاسم رسی

برای پی بردن به صحت گزارش قاسم رسی، این گزارش را از ابعاد مختلف، مانند شخصیت قاسم رسی، انتساب روایت به وی، فاصله زمانی گزارش و رخداد و نسخه باقی مانده از متن کتاب نقد و بررسی می‌کنیم.

1. شخصیت قاسم رسی

ابو محمد قاسم رسی (169 - 246 ق)، پسر ابراهیم طباطبا بن اسماعیل بن ابراهیم غَمَر بن حسن مثنی از نوادگان امام مجتبی (ع) ملقب به امیر قاسم بود. او، فردی عقیف و زاهد بود و مردم را به وصی آل محمد فرا می‌خواند.⁸² برخی نیز، وی را از بزرگان و امیران زیدیّه می‌دانند.⁸³

از او آثاری به یادگار مانده که کتاب *تثبیت الامامة* در اعتقادات و *الایمان و النذور* در موضوع فقه، از آنها است.⁸⁴ در کتاب شناسی زیدیّه، رساله‌هایی با نام‌های *الأصول الخمسة*، *اصول الدین*، *المسترشد*، *الرد علی المجبّه*، *الرد علی النصاری* در اعتقادات و *رساله‌های الطهارة*، *صلاة الیوم و اللیلة* در فقه به عنوان آثار او ثبت شده است.⁸⁵ نجاشی درباره کتاب او با تعبیری کلی، بدون آن که نام کتابی خاص را مشخص کند، می‌گوید:

و ی کتابی دارد که آن را از طریق پدرش و دیگران از جعفر بن محمد نقل کرده و همان را از موسی بن جعفر (ع) نیز نقل کرده است.⁸⁶

روایت نجاشی درباره کتاب قاسم رسی، تنها سندی است که نام او را در ردیف راویان امامان (ع) در منابع رجالی ثبت کرده است. این امر در حالی است که او در دوران امام رضا (ع)، امام جواد (ع) و بخشی از دوران امام هادی (ع) در مدینه به سر می‌برد و می‌توانست از این بزرگواران روایت کند.

2. ارزیابی انتساب

سند کتاب *تثبیت الامامة* منسوب به قاسم رسی و سند گزارش هفتم صفر منسوب به او روشن نیست. نجاشی از کتاب او نام می‌برد و آن را به نقل از امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) می‌داند.⁸⁷ اما نام این کتاب را مشخص نمی‌کند و با توجه به این که وی کتاب‌های متعددی دارد، معلوم نیست کدام کتاب او مستند به دو امام یاد شده است. در نتیجه از سخن نجاشی، استناد کتاب *تثبیت الامامة* به معصوم (ع) ثابت می‌شود، بلکه

احتمال می‌دهیم که مقصود نجاشی کتاب فقهی او باشد زیرا بزرگان شیعه در مستند کردن موضوع فقهی و حدیثی به معصوم U، اهتمام فراوانی داشتند. به فرض، اگر با این سخن نجاشی استناد کتاب *تثبیت الأمامة* رسی به امام صادق U و امام کاظم U اثبات شود، اعتبار کتاب ثابت نمی‌شود؛ زیرا نجاشی تنها به این نکته توجه می‌کند که او کتابی دارد که آن را با واسطه از امام صادق U و بدون واسطه از امام کاظم U نقل می‌کند ولی نجاشی درباره اعتبار رسی و کتاب او، اظهار نظر نمی‌کند و از سایر رجالیان نیز مطلبی درباره تأیید یا تکذیب رسی و کتابش موجود نیست. تنها ابن داود با استناد به نجاشی، نام او را در ردیف راویان مدح شده می‌آورد،⁸⁸ با این که در سخن نجاشی نشانه‌ای از مدح یا ذم رسی نبود.

به هر حال، اگر بتوان با سخن نجاشی، اعتبار کتاب منسوب به رسی را ثابت کرد، انتساب متن سه صفحه‌ای *ضمیمه* کتاب با عنوان *موجز تواریخ الائمة الاثنی عشر* را به امامان معصوم U، نمی‌توان اثبات کرد؛ زیرا آخرین تاریخ نوشته شده در این متن شهادت امام عسگری U در هشتم ربیع الأول سال 260 ق است.⁸⁹ در حالی که قاسم رسی چهارده سال پیش از آن، یعنی در سال 246 ق در گذشت.⁹⁰

بنابراین نویسنده این متن، قاسم رسی نیست و فرد دیگری در سال‌های پس از 260 ق یا در سده‌های بعدی، تاریخ ولادت و شهادت امامان اثنی عشر U را *ضمیمه* کتاب کرده است و سند او نیز مشخص نیست، زیرا محقق کتاب، با این که نسخه خطی قسمت اصلی کتاب *تثبیت الأمامة* را چاپ کرده، نشانی از نسخه خطی این قسمت سه صفحه‌ای ارائه نکرده است و نسخه خطی دیگری هم از این قسمت در دسترس نیست.

اگر فرض کنیم که دو نسخه کتاب‌خانه‌های قاهره و برلین دارای این *ضمیمه* سه صفحه‌ای باشند، هم چنان اشکال عدم توازن میان تاریخ وفات مؤلف با تاریخ ثبت شده درباره دو امام هادی و عسگری [سلام الله علیهما] وجود دارد و بزرگان شیعه دوران رسی و کمی پس از او، مانند کلبی، نوبختی، اشعری، کلینی گزارش هفتم صفر را از او یا دیگران ثبت نکرده‌اند تا از این طریق سند گزارش روشن شود.

برخی احتمال می‌دهند، فردی که مدتی در کوه «رسی» در اطراف مدینه پنهان شده بود، قاسم بن ابراهیم رسی است.⁹¹ پس کتاب او و متن تاریخ‌های یاد شده (سه صفحه‌ای) مربوط به امامان U، به دست راویان و نویسندگان معاصر او و پس از او نرسیده است. اما این احتمال، به چهار دلیل درست نیست:

1. این متن سه صفحه‌ای درباره تاریخ زندگی امامان U با تاریخ درگذشت رسی هم خوانی ندارد و نمی‌تواند متعلق به او باشد.
 2. اگر فرض کنیم بخشی از آن از او باشد، باز هم نمی‌توان گفت که این متن، مدتی در کوه رسی، پنهان بود؛ چون فردی که مدتی در کوه رسی پنهان بود، قاسم بن ابراهیم رسی نبود، بلکه قاسم بن محمد رسی بود که در یمن ظهور کرد و از امامان زیدیه به شمار می‌آمد.⁹² بنابراین، احتمال پنهان بودن کتاب‌های قاسم بن ابراهیم رسی در کوه رسی، بی‌مدرک و بی‌پایه است.
 3. نوادگان او در مصر و بغداد ساکن بودند و تعدادشان نیز کم نبود.⁹³ در میان ایشان عالمانی بودند که می‌توانستند کتاب‌ها و گزارش‌های او را در اختیار دیگران قرار دهند.
 4. بزرگانی؛ چون نوبختی، اشعری، کلینی، مسعودی، مفید در بغداد می‌زیستند و از عالمان سرشناس آن دیار به شمار می‌آمدند و در دوران آنان دست‌رسی به آثار گروه‌های مختلف شیعه چندان دشوار نبود. به ویژه دسترسی به آثار دیگران برای مسعودی و مفید آسان‌تر بود؛ زیرا مسعودی نویسنده‌ای اهل سیاحت بود و بخشی از مطالب تاریخی و غیر تاریخی را در سفرهایش به دست آورد و می‌توانست به گزارش رسی پی برد. شیخ مفید نیز که در دوران فاطمیان مصر و آل بویه شیعه مذهب بغداد می‌زیست.⁹⁴ در دست‌یابی به منابع شیعی شرایط مناسبی داشت و به آسانی می‌توانست به آثار راویان شیعه دست یابد و دلیلی برای پنهان ماندن گزارش رسی از ایشان وجود ندارد.
- با این شرایط، وقتی از گزارش منسوب به قاسم بن ابراهیم رسی درباره هفتم صفر در کتاب‌های این بزرگان نشانه‌ای نیست، می‌توان نتیجه گرفت که این گزارش در آن دوران نبود و بعدها به وجود آمد و اگر در آن دوران وجود داشته است، ایشان به این گزارش اعتمادی نداشتند و آن را بیان نکردند.

3. بررسی زمان گزارش

اگر با چشم‌پوشی از تمام ایرادها، انتساب تاریخ هفتم صفر به قاسم رسی را بپذیریم، باز این گزارش قابل اعتماد نیست؛ زیرا هر چند، این خبر به لحاظ تقدّم تاریخی می‌تواند در ردیف گزارش‌های کهن قرار گیرد، اما با دوران امام مجتبی‌ع فاصله‌ای طولانی دارد. قاسم بن ابراهیم در سال 169 ق⁹⁵ در حدود صدویست سال پس از شهادت امام مجتبی‌ع متولد شد. اگر او در حدود ده سالگی می‌توانست مطالبی را ثبت و ضبط کند، می‌توان نتیجه گرفت. که شاید حدود صد و سی سال پس از شهادت امام مجتبی‌ع این کار را انجام داده است. او گزارشش را با این فاصله زمانی بدون سند ارائه می‌کند و این گزارش اتصال سندی ندارد بنابراین فاصله زمانی سبب از بین رفتن اعتبار این گزارش می‌شود.

برخی بر این باورند که این گونه گزارش دادن یک روش تاریخی است و تمام کتاب‌های تاریخی چنین روشی دارند، اما باید توجه داشت که همه گزارش‌های تاریخی چنین نیستند و گزارش‌ها و کتاب‌های تاریخی مستند، کم نیستند. هم چنین، در مواردی که گزارش تاریخی بی‌سند باشد، در صورتی پذیرفته می‌شود که گزارشی مستند در برابرش نباشد. در غیر این صورت، در پژوهش‌های تاریخی، گزارش مستند، با سند قابل اعتماد، پذیرفته می‌شود.

در این جا گزارش رسی با گزارش جنادة بن ابي امية تابعی در تعارض است؛ زیرا جنادة که به هنگام شهادت امام مجتبی‌ع در کنار بستر آن حضرت حضور داشت و به وصیت‌های ایشان گوش فرا می‌داد، تاریخ شهادت را آخر صفر می‌داند.⁹⁶ سند گزارش جنادة موثق است و ابن خزاز این روایت و دیگر روایت‌های کتاب او را صحیحة الأسانید می‌خواند.⁹⁷ و محدث قمی نیز، خبر جنادة را معتبر می‌داند.⁹⁸

از سویی دیگر، گزارش منتسب به رسی به این دلیل که وی از نوادگان امام مجتبی‌ع است و به امور خاندان خویش آگاه‌تر است بر دیگر گزارش‌ها ترجیح ندارد؛ زیرا با توجه به

مطالب و اشکال‌های یاد شده، اصل انتساب این گزارش به رسی ثابت نمی‌شود و نمی‌توان سخنی را که اساسی ندارد بر گزارش مستند و قابل اعتماد، ترجیح داد.

4. اشتباه در نسخه‌برداری

این احتمال وجود دارد که در هنگام ثبت تاریخ، میان زمان قمری و شمسی اشتباهی رخ داده است. شهادت آن حضرت U در محاسبه نجومی با تاسع حمل (نهم فروردین) مصادف می‌شود.⁹⁹ و احتمال می‌رود نخستین بار تاریخ تاسع حمل با خط کوفی و بی‌نقطه نوشته شده است. سپس نسخه بردار آن به سبب بی‌نقطه بودن کلمه‌های «سابع، تاسع، حمل، صفر» و مشابه بودن آن‌ها با یک‌دیگر واژه «تاسع» را «سابع» و «حمل» را «صفر»، قرائت نموده و آن‌ها را به شکل اشتباه ثبت کرده است. به تدریج، این گزارش نزد افرادی که از آن آگاهی یافتند «سابع صفر» نامیده شد و این تاریخ به زمان شهادت امام مجتبی U معروف گشت. این گونه خطاها در قرائت نسخه‌های قدیمی کم نیستند و شاید عدم اشاره به گزارش «هفتم صفر» در منابع نخستین و کهن شیعه بر این اساس است. بنابراین شاید منبع گزارش شهید اول از این گونه نسخه‌ها بوده است که مورد توجه سایر منابع قرار نمی‌گیرد.

نگاه شیعیان به هفتم صفر پس از شهید اول

پس از شهادت شهید اول و از قرن هشتم به بعد کفعمی جبل عاملی (905 ق)، ابتدا در کتاب *بلد الامین*¹⁰⁰ شهادت آن حضرت U را در بیست و هشتم صفر می‌داند، ولی بعدها در کتاب *المصباح* به بیان گزارش شهید اول می‌پردازد و تنها به آن بسنده می‌کند.¹⁰¹

پس از او، شیخ حسین عاملی (918 - 984 ق) در *وصول الأخیار إلی اصول الأخیار*¹⁰² و پسرش شیخ بهایی (1031 ق) در *جامع عباسی*¹⁰³ و توضیح المقاصد¹⁰⁴ فیض کاشانی (1091 ق) در *تقویم المحسنین*¹⁰⁵ شیخ جعفر کاشف الغطاء (1228 ق)

در کشف الغطاء،¹⁰⁶ صاحب جواهر (1266 ق) در جواهر الکلام¹⁰⁷ و جابلقی بروجردی (1313 ق) در طرایف المقال،¹⁰⁸ به بیان این تاریخ می‌پردازند و همسانی عبارت‌های ایشان با کلام شهید اول، حکایت از تأثر این عالمان از گزارش شهید اول دارد. محدث قمی (1294 - 1359 ق) در کتاب انوار البهیة¹⁰⁹ با تأثر از شهید اول، هفتم صفر را به عنوان روز شهادت امام حسن (ع) می‌پذیرد، ولی در سه کتاب مهم و تحقیقی بعدی خود؛ یعنی سفینة البحار،¹¹⁰ مفاتیح الجنان¹¹¹ و منتهی الأمال¹¹² از این رأی چشم می‌پوشد و به همان روشی باز می‌گردد که پیش از انوار البهیة در کتاب فیض العلام فی عمل الشهور و وقایع الأيام¹¹³ به کار می‌بست؛ یعنی او در این کتاب‌ها، سه دسته گزارش همراه با معرفی منابعشان درباره تاریخ شهادت ارائه می‌دهد ولی هیچ یک را انتخاب نمی‌کند.

و در فیض العلام و مفاتیح الجنان، هفتم صفر را از شهید اول و بیست و هشتم صفر را از شیخ مفید و شیخ طوسی نقل می‌کند و در سفینة البحار، آخر صفر را از کلینی و ابن خزاز و هفتم صفر را از شهید اول¹¹⁴ و کفعمی حکایت می‌کند. در منتهی الأمال می‌نویسد که بعضی هفتم صفر و جمعی بیست و هشتم صفر را گفته‌اند و آن گاه، آخر صفر را از ابن خزاز در کفاية الأثر نقل می‌کند و سندش را معتبر می‌داند.¹¹⁵

وی در این چهار کتاب پس از بیان این گزارش‌ها از هر سخنی که حاکی از انتخاب او باشد، پرهیز می‌کند و این نشانه تردید او در تاریخ دقیق شهادت است. او در حقیقت با این روش، انتخابش را در انوار البهیة، به چالش می‌کشد.

بنابراین، برای سخن شهید اول درباره شهادت امام حسن (ع) در هفتم صفر، سند معتبری موجود نیست و دیدگاه عالمانی که سخن شهید اول را پذیرفته‌اند، مانند کفعمی در

مصباح، شیخ بهایی و پدرش، فیض کاشانی، کاشف الغطاء، صاحب جواهر، جاپلقی و محدث قمی در *انوار البهیة* به سند معتبری نمی‌رسد.

بیست و هشتم صفر در منابع

گروهی از گزارش‌های شیعه، روز شهادت امام حسن مجتبی (ع) را چهارشنبه یا پنج‌شنبه¹¹⁶ بیست و هشتم صفر می‌دانند و گروهی دیگر، روز دقیق شهادت را مشخص نکرده‌اند و یا آن را با عبارت کلی آخر صفر معرفی می‌کنند. بزرگانی، مانند سعد بن عبدالله اشعری در *المقالات و الفرق*¹¹⁷، نوبختی در *فرق الشیعه*¹¹⁸، کلینی در *الکافی*¹¹⁹، ابن خزاز در *کفایة الأثر*¹²⁰، طبری امامی در *دلائل الإمامة*¹²¹ و فتال نیشابوری در *روضه الواعظین*¹²² زمان شهادت را روزهای آخر صفر می‌دانند.

گروهی دیگر از علماء، مانند شیخ مفید در *مسار الشیعة*¹²³، شیخ طوسی در *مصباح المتجهد*¹²⁴، شیخ طبرسی در *أعلام الوری*¹²⁵ و تاج الموالید¹²⁶ ابن شهر آشوب در *مناقب آل ابي طالب*¹²⁷ اربلی در *كشف الغمة*¹²⁸، علامه حلی در *المستجد*¹²⁹ حسن بن حسین شیعی سبزواری (زنده در 757 ق) در *راحة الأرواح*¹³⁰ کفعمی در *بلد الامین*¹³¹ روز دقیق شهادت را بیست و هشتم صفر می‌دانند.

در حقیقت این گروه، نظر گروه اول را تأیید می‌کنند. در این گروه شیخ مفید در *الارشاد*¹³² و *المقنة*¹³³ تنها از ماه صفر نام می‌برد، ولی در *مسار الشیعة*¹³⁴ بر دو شب باقی مانده از ماه صفر تأکید دارد. شیخ طوسی در کتاب *تهذیب الأحکام*¹³⁵ تنها به ذکر ماه صفر بسنده می‌کند، ولی در کتاب *مصباح المتجهد*¹³⁶ از بیست و هشتم صفر نام می‌برد. شیخ رضی الدین علی حلی در *العدد القویة*¹³⁷ تاریخ بیست و هشتم صفر را بر می‌گزیند. اربلی در *كشف الغمة*¹³⁸ در گزارش خود، نخست بیست و هشتم صفر را از طبرسی و سپس ماه صفر را از مفید در *الارشاد* نقل می‌کند و از روز دیگری نام نمی‌برد و این روش در گزارش او بیان‌گر آن است که وی گزارش شهادت امام مجتبی (ع) در بیست و هشتم صفر را پذیرفته است.

در هیچ یک از این منابع، اشاره‌ای به شهادت امام حسن مجتبی‌U در هفتم ماه صفر، حتی به صورت «قیل» نمی‌شود و این نشان دهنده تأکید ایشان بر تاریخ بیست و هشتم صفر است. شیخ مفید درباره تاریخ‌های ثبت شده در *مسار الشیعة*¹³⁹ که یکی از آن‌ها شهادت امام مجتبی‌U در بیست و هشتم صفر است، می‌نویسد:

این تاریخ‌ها همواره به درازای روزگاران پیشین، مورد توجه صالحان شیعه

بوده و آنان روزهای شادی و حزن (اهل بیت علیهم‌السلام) را پاس می‌داشتند.

این سخن مفید، نشان می‌دهد که شیعیان در دوران وی و پیش از او در روز بیست و هشتم صفر برای امام مجتبی‌U مجالس عزا بر پا می‌کردند.

محققان حدیث و تاریخ شیعه در سده‌های متأخر نیز، تصمیم واحدی برای این موضوع نگرفته‌اند؛ و بیشتر به بیان تمام گزارش‌ها می‌پردازند که به چند نمونه از آرای این بزرگان اشاره می‌کنیم مجلسی در *بحار الانوار*¹⁴⁰ و *مرآة العقول*¹⁴¹ پس از بیان آخر صفر از کلینی و ابن خزاز و بیست و هشتم صفر از شیخ مفید و ابن شهر آشوب و گزارش کردن هفتم صفر از شهید اول، هیچ‌گونه اظهار نظری درباره این دیدگاه‌ها نمی‌کند. او در *جلاء العیون* پس از بیان این گزارش‌ها، خبر شهادت آن حضرت U را در آخر صفر، کلام مشهور می‌داند¹⁴² و در کتاب *اختیارات*¹⁴³ که حاوی دیدگاه‌های نهایی او است بیست و هشتم صفر را به عنوان روز شهادت امام حسن U بر می‌گزیند. بحرانی در *عوامل العلوم*¹⁴⁴ مامقانی در *تقیح المقال*¹⁴⁵ گزارش‌های پیشین را بیان کرده و در پی آن‌ها اظهار نظری نمی‌کنند. سید محسن امین در *اعیان الشیعة*¹⁴⁶ گزارش هفتم صفر را با تعبیر «قیل» بیان می‌کند و بیست و هشتم صفر را به عنوان روز شهادت آن حضرت U انتخاب می‌کند.

نتیجه‌گیری

درباره تاریخ شهادت امام حسن U در میان مسلمانان اختلاف نظرهایی وجود دارد و در

آثار شیعیان دو گزارش هفتم و بیست و هشتم صفر، بیشتر از سایر گزارش‌ها تأیید می‌شود.

درباره صحت گزارش هفتم صفر به سبب تردید در انتساب گزارش به راوی، دوری راوی از زمان وقوع رخداد و احتمال اشتباه در نسخه برداری از منبع اولیه، تردیدهای فراوانی وجود دارد. به همین سبب بسیاری از بزرگان شیعه در آثارشان به این تاریخ اشاره نمی‌کنند و یا ضمن اشاره به این تاریخ از تأیید و یا اظهارنظر درباره آن خودداری می‌کنند. در میان سایر گزارش‌های موجود درباره شهادت آن حضرت U، روایت جنادة بن ابی امیه تابعی که در هنگام شهادت در کنار بستر آن حضرت U حضور داشت و به این تاریخ با تعبیر کلی آخر صفر اشاره می‌کند، مورد تأیید و اعتماد بزرگانی، مانند محدث قمی قرار گرفته است و بسیاری از بزرگان شیعه، مانند شیخ مفید و شیخ طوسی در آثارشان تاریخ بیست و هشتم صفر را به عنوان زمان شهادت می‌پذیرند. بنابراین گزارش برتر و مورد تأیید درباره تاریخ شهادت امام حسن U روز بیست و هشتم صفر است.

پی نوشت ها

1. سعد بن عبدالله أبوخلف اشعری، *المقالات و الفرق*، تصحیح محمد جواد مشکور، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1361، ص 24.
2. حسن بن موسی نوبختی، *فرق الشیعة*، چاپ دوم، بیروت: دارالأضواء، 1404 ق / 1984 م، ص 24.
3. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیة، 1388 ق / 1363 ش، ج 1، ص 461.
4. علی بن محمد بن علی بن خزاز، *کفایة الأثر*، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم: انتشارات بیدار، 1401 ق، ص 229.
5. حسن بن محمد بن حسن قمی، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران: توس، 1361، ص 194.
6. محمد بن نعمان شیخ مفید، *الارشاد (مصنفات مفید)*، چاپ اول، قم: کنفرانس جهانی هزاره مفید، 1413 ق، ج 11، جزء 2، ص 15.
7. همو، *مسار الشیعة (مصنفات مفید)*، چاپ اول، قم: کنفرانس جهانی هزاره مفید، 1413 ق، ج 7، ص 49.
8. محمد بن حسن شیخ طوسی، *مصباح المتجهد*، تصحیح حسین اعلمی، چاپ اول، بیروت: مؤسسه اعلمی، 1418 ق / 1998 م، ص 549.
9. محمد بن جریر طبری امامی، *دلائل الإمامة*، تحقیق مؤسسه بعثت، چاپ اول، قم: مؤسسه بعثت، 1413 ق، ص 60.
10. امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، تحقیق مؤسسه آل

- البيت، چاپ اول، قم: آل بیت، 1417 ق، ج 1، ص 403.
11. همو، *تاج الموالید*، تحقیق آیت الله مرعشی نجفی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1406 ق، ص 102.
12. محمد بن فتال نیشابوری، *روضه الواعظین*، چاپ اول، بی‌جا، انتشارات شریف رضی، 1368، ص 168.
13. محمد بن شعیری، *جامع الأخبار*، چاپ دوم، قم: رضی، 1363، ص 23.
14. محمد بن علی بن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، تحقیق یوسف بقاعی، چاپ دوم، بیروت: دارالأضواء، 1412 ق / 1991 م، ج 4، ص 34.
15. علی بن عیسی اربلی، *کشف الغمّة*، تعلیقه سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، 1381 ق، ج 1، ص 515، 516.
16. محمد بن تاج الدین ابن طقطقی، *الأصیلی فی أنساب الطالبیین*، تحقیق مهدی رجایی، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، 1418 ق / 1376 ش، ص 62.
17. ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری، *راحة الارواح*، تحقیق محمد سپهری، چاپ اول، قم: اهل قلم و میراث مکتوب، 1375 ش، ص 143.
18. محمد بن مکی (شهید اول)، *الدروس الشرعیة*، تحقیق نشر اسلامی، چاپ اول، قم: نشر اسلامی، 1412، ص 143.
19. رضی الدین علی بن یوسف حلّی، *العدد القویة*، تحقیق سید مهدی رجایی و سید محمود مرعشی، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1408 ق، ص 350.
20. ابراهیم بن علی بن حسن کفعمی، *البلد الامین*، بی‌جا: بی‌نا، 1382 ق، ص 275.
21. همو، *المصباح*، چاپ دوم، قم: منشورات الرضی، بی‌تا، ص 510، 522.
22. حسین بن عبدالصمد عاملی، *وصول الأخبار الی اصول الأخبار*، تحقیق سید عبداللطیف الكوهکمری، قم: مجمع الذخائر الاسلامیة، 1401 ق، ص 42.
23. محمد العاملی (شیخ بهایی)، *توضیح المقاصد*، تحقیق آیت الله مرعشی نجفی، قم:

- کتابخانه مرعشی، 1406 ق، ص 564.
24. همو، جامع عباسی، تهران: مؤسسه انتشارات فراهانی، بی تا، ص 188.
25. محمد بن سعد، ترجمة الامام الحسن (ص)، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبائی، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت، 1416 ق، ص 91.
26. مصعب زبیری، نسب قریش، تصحیح لیفی بروفنسال، چاپ سوم، قاهره: دارالمعارف، بی تا، ص 40.
27. عبدالله بن مسلم ابن قتیبه دینوری، المعارف، تحقیق ثروة عکاشة، چاپ اول، قم: منشورات رضی، 1415، ص 212.
28. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، 1417 ق / 1996 م، ص 299.
29. عبدالله بن محمد بن عبید ابن ابی الدنیا، مقتل الامام الامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ص)، تحقیق محمد باقر محمودی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ص 115.
30. محمد بن احمد دولابی، الذریة الطاهرة، تحقیق سید محمود جواد حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین، 1418 ق، ص 105.
31. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الكبير، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، چاپ دوم، بیروت: احیاء التراث، 1405 ق / 1985 م، ج 3، ص 71.
32. احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا، ج 1، ص 140.
33. یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد بحاوی، چاپ اول، بیروت: دارالجلیل، 1412 ق / 1992 م، ج 1، ص 389.
34. محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، 1411 ق / 1990 م، ج 3، ص 190.
35. علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی عاشور، چاپ اول، بیروت: احیاء التراث، 1421 ق. 2001 م، ج 7، جزء 14، ص 122.

36. عبدالرحمن بن علی بن جوزی، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم*، تحقیق محمد عبدالقادر و مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، 1412 ق / 1992 م، ج 5، ص 225.
37. یوسف بن فرغلی بن عبدالله سبط بن جوزی، *تذکرۃ الخواص*، تهران: مکتبه نینوا، بی‌تا، ص 211.
38. ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بی‌جا: داراحیاء التراث العربی، 1385 ق / 1965 م، ج 16، ص 9.
39. محمد بن یوسف گنجی شافعی، *کفایة الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب*، تحقیق محمد هادی امینی، چاپ سوم، تهران: داراحیاء التراث لأهل البيت (ع)، 1404 ق / 1362 ش، ص 415.
40. احمد بن أبی یعقوب یعقوبی، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دارصادر، بی‌تا، ج 1، ص 225.
41. نعمان بن محمد تمیمی أبوحنیفه مغربی، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار*، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، 1409، ج 3، ص 131.
42. شمس الدین ابوجعفر محمد بن ایوب حاسب طبری، *ابواب منتخب از زیج مفرد*، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، تهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب، 1385، ص 63.
43. ابن سعد، *پیشین*.
44. مصعب زبیری، *پیشین*.
45. ابن قتیبہ دینوری، *پیشین*.
46. احمد بن یحیی بلاذری، *پیشین*.
47. ابن ابی الدنیا، *پیشین*.
48. احمد بن علی خطیب بغدادی، *پیشین*، ص 140 - 141.

49. ر. ك: ذهبى، سير أعلام النبلاء، تحقيق شعيب الأرنؤوط، حنين الاسد، چاپ التاسعة، بيروت: مؤسسه الرسالة، 1413 ق / 1993 م.
50. ابن حبان، مشاهير علماء الامصار، تحقيق مزروق على ابراهيم، بی جا: دارالوفاء للطباعة و النشر و التوزيع، المنصورة، 1411، ص 24 - 25.
51. الرازى، الجرح و التعديل، بيروت: داراحياء التراث العربى، 1372 ق / 1952 م، ج 7، ص 262.
52. سليمان بن احمد طبرانى، پیشین.
53. ذهبى، پیشین، ج 11، ص 455.
54. محمد بن عبدالله حاكم نیشابورى، پیشین.
55. احمد بن على خطيب بغدادى، پیشین.
56. ابن عبدالبر، پیشین.
57. ابن عساکر، پیشین.
58. محمد بن ابى بكر تلمسانى برى، الجوهرة فى نسب الامام على و آله، تحقيق محمد تونجى، بيروت: مكتبة النورى، 1402، ص 32.
59. سبط بن جوزى، پیشین.
60. ابن عساکر، پیشین، ج 7، جزء 13، ص 216.
61. ابن ابى الحديد، پیشین، ص 14.
62. ابن خزاز، پیشین.
63. همان، مقدمه.
64. شيخ عباس محدث قمى، منتهى الآمال، تحقيق صادق حسن زاده، چاپ اول، قم: مؤمنین، 1379 ش، ج 1، ص 496، 497.
65. شيخ مفيد، مسار الشیعة، پیشین، ص 18.

66. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1403 ق / 1983 م، ج 81، ص 274.
67. یعقوبی، *پیشین*، ج 2، ص 6.
68. ابن سعد، *پیشین*، ص 90.
69. شیخ مفید، *الارشاد*، *پیشین*.
70. همو، *المقنعة* (مصنفات مفید)، چاپ اول، قم: کنفرانس جهانی هزاره مفید، 1413 ق، ص 465.
71. محمد بن حسن شیخ طوسی، *تهذیب الاحکام*، تحقیق سید حسن موسوی، بیروت: دارصادر و دارالتعارف، بی تا، ج 6، ص 45.
72. شهید اول، *الدروس الشرعية*، *پیشین*، ج 2، ص 7.
73. عبدالله مامقانی، *تنقیح المقال*، تحقیق محمدرضا مامقانی، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت، 1423، ج 1، ص 186.
74. اربلی، *مجلسی و بحرانی*، شهادت امام مجتبی (ع) را در ماه صفر بدون تعیین روز آن از الارشاد شیخ مفید نقل می‌کنند. اربلی، *پیشین*، ص 585؛ محمدباقر مجلسی، *پیشین*، ج 44، ص 158؛ عبدالله بحرانی اصفهانی، *عوامل العلوم*، تحقیق مدرسه الامام مهدی (عج) چاپ اول، قم: مدرسه الامام مهدی (ع)، 1405 ق / 1363 ش، ج 16، ص 274.
75. *مجله تراثنا*، قم: مؤسسه آل البيت، 1410 ق، سال پنجم، شماره 2، ص 117.
76. فؤاد سزگین، *تاریخ التراث العربی*، ترجمه محمود فهمی حجازی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1403 ق / 1983 م، ج 1، ص 303.
77. همان.
78. قاسم بن ابراهیم رسی، *تثبیت الأمة*، تحقیق صالح وردانی، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الغدیر، 1419 ق / 1998 م، مقدمه تحقیق، ص 22.
79. همان، ص 69.

80. همان، ص 71.
81. فؤاد سزگین، پیشین، ص 328..
82. علی بن محمد بن علی بن محمد العلوی العمری، *المجدی فی أنساب الطالبین*، تحقیق الشیخ احمد المهدی دامغانی، قم: مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، 1409 ق، ص 75.
83. فؤاد سزگین، پیشین، سید احمد حسینی اشکوری، *مؤلفات الزیدیه*، چاپ اول، قم: کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی، 1413 ق، ج 1، ص 189؛ سید علی موسوی نژاد، *تراث الزیدیه*، چاپ اول، قم: معهد الدراسات الادیان و المذاهب، 1484 ش / 2005 م، ص 46.
- 51.
84. آقا بزرگ تهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، چاپ سوم، بیروت: دارالأضواء، 1403 ق / 1983 م، ج 2، ص 332، 516؛ سید احمد حسینی اشکوری، همان.
85. فؤاد سزگین، پیشین، سید علی موسی نژاد، پیشین.
86. احمد بن علی نجاشی، *رجال النجاشی*، تحقیق محمد جواد نائینی، بیروت: دارالاضواء، 1408 ق / 1998 م، شماره 859.
87. همان.
88. حسن بن علی بن داوود، *کتاب الرجال*، تحقیق سید جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه، 1383 ق، ص 275.
89. قاسم بن ابراهیم رستی، پیشین.
90. همان، روی جلد، فؤاد سزگین، پیشین.
91. احمد بن علی بن عنبة، *عمدة الطالب فی أنساب آل أبی الطالب*، قم: انصاریان، 1417 ق / 1996 م، ص 156.
92. العمری، پیشین، ص 77.
93. همان، ص 74.
94. سید حسن امین، سید عبدالعزیز طباطبایی و محمدرضا جعفری، *حیة الشیخ مفید*،

- چاپ دوم، بیروت: دارالمفید، 1414 ق / 1993 م، ص 5 - 21.
95. فؤاد سزگین، پیشین.
96. ابن خزاز، پیشین.
97. همان.
98. شیخ عباس محدث قمی، پیشین.
99. علی زمانی قمشه‌ای، هیئت و نجوم اسلامی (تاریخ شمسی اسلامی)، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، 1384، ج 2، ص 157.
100. کفعمی، بلد الامین، پیشین.
101. همو، المصباح، پیشین.
102. حسین بن عبدالصمد عاملی، پیشین.
103. شیخ بهایی، جامع عباسی، پیشین.
104. همو، توضیح المقاصد، پیشین.
105. فیض کاشانی، تقویم المحسنین، چاپ سنگی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، ص 15.
106. ابوالحسن علی بن اسماعیل کاشف الغطاء، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغمرا، تحقیق دفتر تبلیغات اسلامی شاخه خراسان، چاپ اول، قم: بوستان کتاب، 1422 ق / 1380، ج 1، ص 96.
107. الشیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، تحقیق شیخ عباس القوچانی، الطبعة الثالثة، بی‌جا: دارالکتب الاسلامیة آخوندی، 1367، ج 20، ص 88.
108. سید علی اصغر جابلقی، طرائف المقال، تحقیق سید مهدی رجایی، چاپ اول، قم: کتاب‌خانه آیت الله مرعشی نجفی، 1410 ق، ج 2، ص 219، 220.
109. شیخ عباس محدث قمی، الأنوار البهیة، چاپ اول، قم: نشر اسلامی، 1417 ق، ص 89 - 92.
110. همو، سفینة البحار، تحقیق مجمع البحوث الاسلامیة، چاپ اول، مشهد: آستان قدس،

- 1416 ق، ج 1، ص 601، 602.
111. همو، *مفاتیح الجنان*، بی جا، بی نا، بی تا، اعمال ماه صفر.
112. همو، *منتهی الآمال*، پیشین، ص 491.
113. شیخ عباس محدث قمی، *فیض العلام فی عمل الشهور و وقایع الايام*، قم: نسیم کوثر، 1383، ص 201، 202.
114. همو، *سفینة البحار*، پیشین، ص 602، در متن سفینة البحار تعبیر «أوفی سابقة کما قال المفید و الکفعمی» ثبت شده است که تعبیر صحیح آن «کما قال الشهید و الکفعمی» است و تعبیر «کما قال المفید» از خطای دید است که سخن شهید را به مفید نسبت می دهد؟ زیرا شیخ مفید در هیچ یک از کتاب هایش از هفتم صفر نام نمی برد.
115. همو، *منتهی الآمال*، پیشین، ص 496، 497.
116. ابن خزاز، *پیشین*، شهید اول، *الدروس الشریعة*، پیشین، ج 2، ص 7، کفعمی، پیشین.
117. سعد بن عبدالله اشعری، پیشین.
118. حسن بن موسی نوبختی، پیشین.
119. محمد بن یعقوب کلینی، پیشین.
120. ابن خزاز، پیشین.
121. محمد بن جریر طبری امامی، پیشین، ص 159.
122. محمد بن فتال نیشابوری، پیشین.
123. شیخ مفید، *مسار الشیعة*، پیشین، ص 47.
124. شیخ طوسی، *مصباح المتجهد*، پیشین.
125. طبرسی، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، پیشین.
126. همو، *تاج الموالد*، پیشین.
127. ابن شهر آشوب، پیشین.
128. اربلی، پیشین، ص 516.

129. حسن بن یوسف حلّی، *المستجد من کتاب الارشاد*، تحقیق آیت الله مرعشی نجفی، قم: کتاب‌خانه آیت الله مرعشی، 1406 ق، ص 441.
130. شیعی سبزواری، *پیشین*.
131. کفعمی، *بلدالامین*، پیشین.
132. شیخ مفید، *الارشاد*، پیشین.
133. همو، *المقنعة*، پیشین.
134. شیخ مفید، *مسار الشیعة*، پیشین.
135. شیخ طوسی، *تهذیب الاحکام*، پیشین.
136. همو، *مصباح المتجهد*، پیشین.
137. رضی الدین علی بن یوسف حلّی، *العدد القویة*، پیشین.
138. علی بن عیسی اربلی، *پیشین*، ج 1، ص 516، 542، 584.
139. شیخ مفید، *مسار الشیعة*، پیشین، ص 18.
140. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، پیشین، ج 44، ص 134، 135، 140، 149.
141. همو، *مرآة العقول*، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیة، 1363، ج 5، ص 351، 352.
142. همو، *جلاء العیون* (تاریخ چهارده معصوم)، چاپ اول، قم: سرور، 1373، ص 83.
143. همو، *اختیارات*، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی اسلامیة، بی تا، ص 34.
144. عبدالله بحرانی اصفهانی، *عوام العلوم*، پیشین.
145. عبدالله مامقانی، *تنقیح المقال*، پیشین.
146. سید محسن امین، *اعیان الشیعة*، تحقیق سید حسن امین، بیروت: دارالتعارف، بی تا، ج 1، ص 576.

